

آنکس که زندگی و برزندگی می آموزد، بندگی نمی آموزد

(مقدمه ای بر نخستین برنامه سازمان باله ایران)

تالار سلطنتی سیرکوس استکهلم: ۷ اکتبر



سازمان ملی ایران به عنوان یکی از معتبرترین نهادهای هنری و فرهنگی، بسان بهاری - هر چند کوتاه - نقش بسزایی در معرفی میراث فرهنگی ایران ایفا نمود و اینک جای خالی آن در طول تمامی سالهایی که از انحلالش می گذرد در عرصه هنری ایران محسوس است. جای بسی خوشبختی است که زحمات و کوشش فراوان بنیانگذاران سازمان باله ملی در ایران از دست نرفته است، زیرا هر چند که این نهاد مهم هنری بیش از بیست سال پیش تعطیل گردید ولی نسل تازه ای از هنرمندان جوان این رشته، عصر تازه ای را در تاریخ هنر رقص ایران آغاز کرده اند. تأسیس سازمان نوپای باله ایران در سوئد نشان می دهد که تلاش های نسل گذشته حتی اعتلا نیز یافته و در قالبی نو، اندیشه ای نوین و کیفیتی برتر ادامه یافته است.

بازسازی این نهاد هنری در طول سالهای متمادی با مشکلات متعدد و بزرگی روبرو بوده است. این، همت بی نظیر و خستگی ناپذیر آقای نیما کیان بوده که امری ناممکن را ممکن ساخته است، هر چند که گره بسیاری از مشکلات (هم از جهت محدودیت وجود نیروی انسانی و هم از جهت نبود سرمایه کافی بخاطر ابعاد بزرگ برنامه و شرایط سخت کاری) هنوز ناگشوده است. برای دوام این طرح هنری شایسته است که بر استقبال گسترده مردمی و حمایت سازمان ها و بنیادهای فرهنگی تکیه شود. آنچه که بیش از هر چیز دیگر به این طرح هنری اهمیتی شگفت و قابل تحسین می دهد، این است که با وجود انتخاب رقصندگان باله از کشورهای مختلف، روح و هسته اصلی همه آثار برگزیده، ایرانی است. اگر چه باله ریشه در فرهنگ غرب دارد، ولی استفاده از این هنر و ترکیب آن با فرهنگ و هنر ایران مجموعه زیبایی می سازد که توان به تصویر کشیدن فرهنگ غنی و چند هزار ساله ایران را داراست.

دیرزمانی نیست که هنر رقص در جامعه ایران به عنوان پدیده ای، "سبکسرانه" و "غیر اخلاقی" تلقی می شد. هر چند که این هنر شریف، نقش مهم و سازنده ای در فرهنگ باستانی ایران داشته است. ریشه رقص را می توان در اسطوره چهار هزار ساله میترایافت، زمانی که این هنر از آئین های دینی و مراسم رسمی درباری بوده است. این پدیده هنری در کنار تحولات تاریخی دیگر فراز و نشیب بسیاری را پیموده است. با توجه به ممنوعیت رقص در اسلام، شاید اغراق آمیز نباشد اگر بگوئیم که آنچه خطوط رقصان و خروشان در مینیاتورها و خط نگاری های ایرانی، تجسم سرکوب شده رقص در فرهنگ ایران بعد از اسلام است.

بازسازی " سازمان باله ملی ایران " بعنوان واقعه ای بزرگ در تاریخ هنر رقص ایران به ثبت خواهد رسید . این طرح هنری موجبات نزدیکی هنرمندان ایران و جمهوری آذربایجان را فراهم کرده است . با این امید که پیوندهای بوجود آمده ، مستحکم تر و پایدارتر ، زمینه همکاری های آینده را فراهم آورد و باعث معرفی و اعتلای فرهنگ مشترک دو کشور گردد . بی تردید ، تنها عشق به ایران و همت پایدار هنرمند شایسته آقای " نیما کیان " بود که تا کنون توانسته است پرچم پرافتخار بابک خرمدین را بر فراز کوهی از مشکلات و تنهایی ها برافراشته سازد و باعث اعتبار و اعتلای نام ایران و ایرانی در ابعاد بین المللی گردد . با اینهمه بجاست تا از زحمات و رنج های فراوان همه کسانی که در تحقق بخشیدن به این طرح هنری سهیم بوده اند و همچنین از سازمان ها و بنیادهای دولتی سوئد که با اعطای اعتبار ، اجرای پروژه را امکان پذیر ساخته اند ستایش و تقدیر شود .

رپرتوار نمایش بازگشایی سازمان باله ایران ، در چهاربخش ، هر یک چشم اندازی است از تاریخ ، فرهنگ ، عرفان و هنر ایران :

در فلسفه ایرانشهری (پیش از اسلام) پادشاهی ، با عدل ، داد و عشق به مردم آمیخته است آنچنانکه در غیاب این سه خصلت ، " قرّه ایزدی " پادشاهان را ترک می گوید . نظامی گنجوی در " هفت پیکر " (هفت گنبد) با تکرار " هفت " به تقدس و اهمیت عدد " هفت " در باورهای ایرانیان پیش از اسلام نظر دارد . بالهء " هفت پیکر " که با صحنهء شکارگاه آغاز می شود ، حدیث عشق بهرام گور ساسانی به دختری بنام " شیدا " است ، اما وزیر بهرام شاه با آوردن هفت دختر از هفت پادشاه و هفت اقلیم ، و اسکان دادن آنان در هفت گنبد به هفت رنگ گوناگون ، کوشش می کند تا نگاه و نظرشاه را از " شیدا " (سمبل مردم) به سوی دختران هفتگانه بیگانه بکشاند تا ضمن مشغول کردن شاه جوان در هفت روز هفته و جداکردن شاه از مردم (شیدا) ، باعث ظلم و بیداد گردد و بتدریج تخت و تاج شاهی را تصاحب کند

بدنبال پایداری و دل بستگی شاه به شیدا (مردم) در توطئه ای شوم ، وزیر ، شیدای عاشق را می کُشد ، ولی بزودی با آشکار شدن توطئه ، وزیر نیز به مجازات مرگ می رسد ، اما با قتل و در نبودن " شیدا " بهرام شاه را دیگر هوای پادشاهی در سر نیست و لذا از قدرت کناره می گیرد ، گویی که

بدون عشق ، پادشاهی به سامان نیست



بالهء هفت پیکر ساخته آهنگساز برجسته آذربایجان کاراکارایف ، براساس سروده های حکیم نظامی گنجوی خلق شده است . این مجموعه ، بی شک یکی از پایه های مستحکم ادبیات ایران و از مهم ترین سروده های ادب پارسی است . بالهء هفت پیکر بعنوان ترجمان نوینی از این اثر ادبی ، می تواند چشمهء الهام بخشی برای آهنگسازان و طراحان رقص ما - در حال و آینده - باشد تا با استفاده از غنای شعری و هنری آن ، آثار تازه ای بیافرینند

باله "بابک" از سرگذشت حماسی بابک خرم‌دین در قیام سرخ‌جامگان الهام گرفته شده و نمایانگر فداکاری‌ها، سخت‌کوشی‌ها و میهن‌دوستی اوست. این قهرمان جوان که در برابر سلطه و سپاهیان خلیفه عباسی بر ایران (در اوائل قرن نهم میلادی) پایداری‌های فراوان کرد، یکی از بارزترین چهره‌های محبوب ملی و میهنی است.

فلسفه خرم‌دینان ریشه در عقاید مساوات طلبانه مزدک، آئین‌های میترائی و عقاید زرتشتی داشت که در آن، شادی (خُرْمی) امید و مبارزه، میهمان‌نوازی و خوش‌بینی نسبت به هستی، جایگاه خاصی برخوردار است. قیام سرخ‌جامگان به رهبری بابک خرم‌دین پس از ۲۲ سال پایداری، مبارزه و مقاومت اگر چه توسط یکی از نیرومندترین ارتش‌های آن روزگار، سرکوب گردید اما نقش اجتماعی و نتایج سیاسی این قیام در تکامل تاریخی جامعه ایران، بی‌تأثیر نبوده است. مرگ قهرمانه بابک خرم‌دین و شهامت بی‌نظیری که به هنگام شکنجه و اعدام، به همه دوستداران آزادی و عدالت اجتماعی آموخت.

آنکس که زندگی و برانندگی می‌آموزد، بندگان نمی‌آموزد

آکشین عزیززاده با تلفیق موفق یک داستان حماسی در قالب باله به این واقعه تاریخی جلوه‌ای شگفت و هنرمندانه بخشیده است.

باله "زن" تنظیم نیما کیان شامل سه قطعه است که موضوع اصلی آن، زن ایرانی است. قطعه اول بنام "جدائی" بیانگر درد و رنجی است که او در طی قرون متمادی متحمل شده است. قطعه دوم در قالب رقص فولکلر ایرانی از خطه گیلان نمایانگر زیبایی زن ایرانی و زیبایی اوست. قطعه سوم، نشانگر تلاش جسورانه زن برای بدست آوردن حقوق و آزادی‌های خود است.

عرفان و تصوف در طول قرن‌ها، برجسته‌های مختلف زندگی اجتماعی - فرهنگی ایرانیان تأثیر گذاشته است. اعتقاد به انسان - خدائی، همبستگی‌های انسانی، مدارای مذهبی و اهمیت موسیقی و رقص (غنا و سماع) در عرفان ایرانی، آموزه‌های اساسی این طریقت را به باورها و آئین‌های ایران پیش از اسلام می‌رساند، هم از این روست که در طول تاریخ ایران بعد از اسلام، طریقت (عرفان) همواره در مقابل "شریعت" (مذهب) و "تصوف" همواره در برابر "تفقه" قرار داشته است. مخالفت و ممنوعیت موسیقی و رقص (غنا و سماع) در اسلام و اهمیت اساسی آن در عرفان ایرانی، یکی از جنبه‌های اساسی این تفاوت و تقابل آئینی است.

باله "بزم عاشقان" برپایه رقص صوفیانه (سماع)، جلوه و جنبه‌ای است از عرفان ایرانی که بنحو هنرمندانه و شور انگیزی تنظیم و تدوین شده است.

همّت هنرمندان جوان، پویاتر، و حمایت دوستداران تاریخ و فرهنگ و هنر ایران و آذربایجان پاپاتر باد

پاریس ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۲